

بررسی مکان‌ها و ابزارهای دفاعی - نظامی و معیشتی جنگل‌نشینان باستانی

روستای جامخانه

محمد فرهادی¹، رضا عبادی جامخانه²، روح‌الله بازاری جامخانه³

تاریخ دریافت: 1397/07/03

تاریخ پذیرش: 1397/11/01

از صفحه 41 تا 66

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ نظامی

سال پنجم، شماره نوزدهم، زمستان 1397

چکیده

روستای جامخانه یکی از بزرگ‌ترین روستاهای مازندران واقع در شهرستان ساری بخش میاندرود بزرگ است. این سرزمین کهن تاریخی دارای آثار مختلف تاریخی می‌باشد. از آنجا که قصد اصلی این پژوهش گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه با پیران، گالش‌ها و چوپانان روستای جامخانه بوده است. در گردآوری اطلاعات از روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی استفاده شده تا به بررسی سؤالاتی از قبیل: 1- مؤلفه‌های تأثیرگذار در زندگی جنگل‌نشینان جامخانه چه بوده است؟ 2- کارکرد نظامی مکان‌های دفاعی و امنیتی مردم جامخانه با توجه به ابزار نظامی و معیشتی چگونه قابل تبیین می‌باشد؟ بپردازد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد ابزارآلات معیشتی و امنیتی - نظامی جنگل‌نشینان باستانی مردم جامخانه را چنین عنوان نمود: 1- ابزارآلات نظامی: از قبیل خنجر، تبر، شمشیر، نیزه‌های سنگی 2- ابزار مذهبی: مانند انواع مهرجات از جنس مفرغ، استخوان، گل رس، شیشه 3- وسایل معیشتی چون: انواع سکه‌های مسی، فلوس، نقره، گاو هشته (گو هشته) 4- انواع نمادهای سنگی مشاهده شده مانند پیکره‌های خرگوش، سگ، مار و بز در اطراف قبور و قلعه‌ها بیانگر شیوه خاصی از زندگی و افکار مردمان جامخانه عهد باستان بوده است. 5- کارکرد دفاعی - امنیتی و معیشتی مکان‌ها و قلعه‌های جنوب روستای جامخانه 6- اهمیت گاو در تأمین نیازهای مادی و غیرمادی حیات اجتماعی، امنیتی، معیشتی و نظام تولیدی مردمان جامخانه.

کلیدواژه‌ها

ابزارهای نظامی، معیشتی، جنگل‌نشینان باستانی، روستای جامخانه.

1- دانش‌آموخته دوره دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.

2- دانش‌آموخته دوره دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران. دبیر آموزش و پرورش شهرستان نکا

(نویسنده مسئول) masood_koochooloo2006@yahoo.com

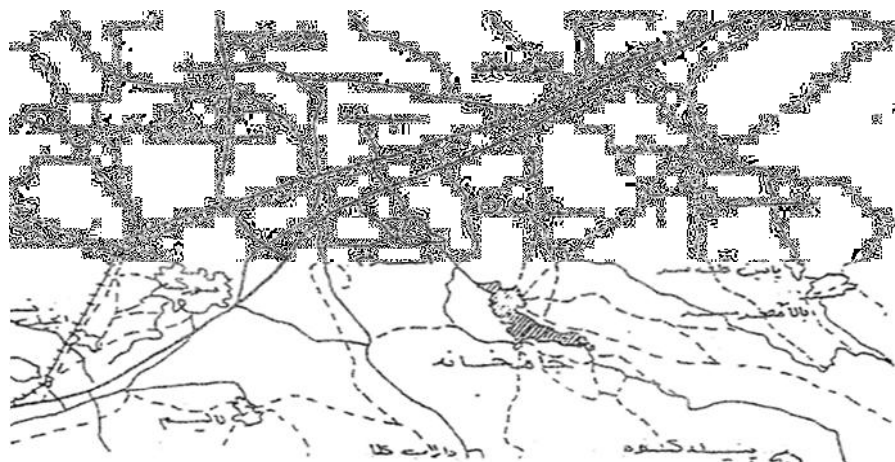
3- محقق و کارشناس فرهنگ‌عامه در جامخانه.

مقدمه

روستای جامخانه در شمال کشور ایران و در استان مازندران واقع در شهرستان ساری بخش میانرود بزرگ قرار دارد و مرز بین دو شهر نکا و ساری است. این روستا در 36 درجه و 36 دقیقه عرض شمالی و 53 درجه و 15 دقیقه طول شرقی با ارتفاع 200 متر از سطح دریا قرار دارد. جامخانه در پایین‌ترین بخش تپه‌ای رشته‌کوه‌های البرز قرار گرفته است و به لحاظ آب و هوایی، جامخانه روستایی در کوه و دشت و نسبت به دیگر روستاهای ساری تفاوت جزئی دارد. بنا به گفته پیران که آنان نیز از گذشتگان خود نقل می‌کنند وجه تسمیه و نام روستا بدین سبب بوده است که گویا جام جمشید جم در ازمنه قدیم در این منطقه دفن شده است. وجود چنین سوابقی باعث شده است که برای پیدا کردن گنج، مردم روستا و دیگر افراد دست به حفاری‌های متعددی در نقاط مختلف روستا بزنند. در سال‌های اخیر حدود 34 ظرف سفالی مربوط به سه هزار سال قبل کشف شد (عبادی، 1375). روستای جامخانه به خاطر موقعیت ارتباطی و گستردگی زمین‌های زراعتی و متصل بودن به جنگل، اهمیت خاصی داشته و دارد. سند و دلیل کافی وجود دارد که سابقه روستا را به سه هزار سال می‌رساند و اهالی روستا می‌گویند اولین ساکنین در این روستا قبلاً در آچند¹ ساکن بوده‌اند که محل آن در دره‌ای به موازات جامخانه فعلی معروف به ازارک² بوده است که در پی زلزله و خشک شدن منابع آبی به محل فعلی و کنونی نقل مکان کردند. در سفرنامه رابینو نیز آمده است که جامخانه موضعی است از میانرود در فرح‌آباد مازندران و در فرهنگ جغرافیایی ایران نیز آمده است دهی از دهستان میانرود و رود بزرگ بخش مرکزی ساری در 16 هزار گزی جنوب غربی شهرستان ساری و 9 هزار گزی شهر نکا و 3 هزار گزی راه شوسه قرار دارد و در دامنه واقع است و تعداد سکنه آن 2220 نفر و آب مشروب روستا نیز از چشمه تأمین و صنایع دستی آن بافت پارچه‌های نخی است و جاده‌های آن مالرو است و محصول کشاورزی آن غلات و پنبه است (عبادی، 1395).

1 - ACHEND

2 - AZZAREK



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی روستای جامخانه در میاندرود

وجه تسمیه روستای جامخانه: جامخانه مرکب از دو جزء جام Jam که به معنی: ۱- پیاله، ساغر ۲- ظرفی برنجین که در آن آب خورند. ۳- قطعه بزرگ شیشه است و جزء دوم خانه Xana که به معنی اتاق، منزل، کاروانسرا. بنا به گفته پیران محل نام این روستا بدین سبب بوده است که گویا به گفته جام جمشید در ازمنه قدیم در این منطقه دفن شده است و به خاطر همین به آن گفتند جامخانه البته به معنای ساختمانی که تشکیل شده از شیشه باشد را هم گفته‌اند (عبادی، ۱۳۹۵).

«از مدح شاه و جام می لعل چاره نیست / تا پای بست گردش این جام خانه‌ایم» (مجیر بیلقانی، قرن ۶ ق)

در کتاب تاریخ دوهزارساله ساری نوشته حسین اسلامی نقل شده است که ساری یکی از شهرهای باستانی ایران و دارالملک تاریخی مازندرانی است. قدمت این شهر به پیش از اسلام می‌رسد. نویسنده برای صحت و درستی نوشته خود از مدارک و اسناد جامخانه نقل می‌کند: «در روستای جامخانه ساری اخیراً ۳۴ ظرف سفالی مربوط به سه هزار سال پیش کشف شد».^۱ همچنین مؤلف این کتاب در صفحه ۵۷ نقل می‌کند. «شواهدی که تاریخ ساری به قبل از اسلام می‌رساند. غیر از کشفیات باستان‌شناسی کنار خط آهن ساری به قائم‌شهر که ظروف نقره‌ای زمان ساسانیان و ظروف سفالی اخیر

۱- نقل از روزنامه اطلاعات ۶ اسفند ۱۳۷۱ ش، صفحه ۱۴ به نقل از میراث فرهنگی مازندران.

در جامخانه که به سه هزار سال قبل می‌رسد (اسلامی، 1372). از آنجاکه در جنوب این روستا، تپه و قلعه‌های تاریخی به‌عنوان مکان‌های دفاعی و امنیتی یافت می‌شود و از قلعه‌های معروف می‌توان قلعه داراب شاه در 15 کیلومتری جنوب روستا واقع در جنگل و کافر قلعه که بین روستاهای پيله کوه و جامخانه و دارابکلا قرار دارند و نیز دختر قلعه واقع در منطقه ازارک (شرق روستا) را نام برد. همه این آثار مربوط به دوران قبل از اسلام بوده و در حدود 80 درصد تخریب شده‌اند (عبادی، 1395).

حال با توجه به موارد فوق هدف محققان در این نوشتار بررسی سؤالات اصلی زیر می‌باشد: 1- مؤلفه‌های تأثیرگذار در زندگی جنگل نشینان جامخانه چه بوده است؟ 2- کارکرد نظامی مکان‌های دفاعی و امنیتی مردم جامخانه با توجه به ابزار نظامی و معیشتی چگونه قابل تبیین می‌باشد؟

روش پژوهش

برای این که اطلاعات مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و تاریخی مربوط به روستای جامخانه به دست آید از روش‌های مصاحبه و مشاهده و مطالعه اسناد و مدارک استفاده شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از آنجاکه قصد اصلی پژوهش گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه با پیران، گالش‌ها و چوپانان روستای جامخانه بوده از روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی استفاده شد. پدیدارشناسی یک مقوله فلسفی و روش تحقیق است که برای درک پدیده‌ها از طریق مصاحبه و مشاهده تجارب انسانی گسترش یافته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پیشنهادی اسمیت (1995) استفاده شده است. اسمیت سه مرحله را برای تحلیل داده‌ها در روش پدیدارشناسی پیشنهاد کرده است: الف- تولید داده‌ها ب- تجزیه و تحلیل داده‌ها، این مرحله شامل مراحل فرعی است: 1- مواجهه اولیه، خواندن و بازخوانی یک مورد 2- تشخیص و برچسب زدن به مقوله‌ها 3- لیست کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها 4 - ایجاد یک جدول ج- تلفیق مورد‌ها (فرزان‌پور و همکاران، 1396: 130-131). در این پژوهش در مرحله اول تولید داده‌ها و در مرحله دوم یعنی تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. ابتدا هریک از متون مکتوب شده با دقت خوانده و بازخوانی شدند و مضامین یا برداشت‌های اولیه در گوشه‌ای از متن پیاده شده نگاشته شدند که شامل برخی تداعی‌ها، پرسش‌ها، مفاهیم و غیره بود و

به ذهن پژوهشگر خطور می‌کرد و می‌توانست در مراحل بعدی استفاده شود. سپس مضامینی که می‌توانست معرف بخش‌هایی از متن معمولاً یک یا چند جمله باشد تعیین و ثبت شدند و در مراحل بعدی عمل لیست کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها (مضامین اصلی و فرعی) صورت گرفت.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پژوهش حاضر تحقیق جامع و مدنی صورت نگرفته است؛ بدین دلیل محققان در نگارش این مقاله با تنگناها و محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند باین‌حال چند نمونه پیشینه پژوهشی اشاره می‌گردد: حدادی (1396)، در یافته‌های تحقیقش بیان نمود: انسان با استفاده از استخوان و برگ و سنگ شروع به ساخت ابزارهایی برای شکار کرده که تا به امروز پیشرفت‌های شگرفی داشته است. از کشف آتش تا رسیدن به یادگیری ماشین راه بسیار طولانی طی شده است. بنابراین غلبه هنر تبدیل آهن خام به فولاد بود که باعث پیدایش عصر آهن شد به‌طورکلی صنعت آهن را بر اساس استفاده بشر از آهن تاکنون، به سه دوره تقسیم می‌کنند: 1. کشف و استفاده از آهن شهابی؛ 2. پیدایش آهن به‌عنوان محصول جانبی تصفیه طلا؛ 3. توسعه و تکامل احیای سنگ معدن آهن در کوره‌های Bloomery و کوره بلند. ریکارد و زیمر اثبات کردند که اولین آهن مورد استفاده انسان که به‌عنوان سنگ مورد استفاده بشر قرار می‌گرفته، آهن شهابی بوده است.¹ ساخت آثار فلزی را در دو گروه کلی چکش‌کاری و ریخته‌گری قرار داد. همچنین در تحقیق حدادی نمونه‌هایی از ابزارآلات نظامی - جنگی و معیشتی مناطق جنوب دریای مازندران² نمایش داده شد.

عبادی (1395)، در تحقیق «تاریخ و فرهنگ جامخانه» به مقوله‌هایی از قبیل تاریخ، آداب‌ورسوم مردم جامخانه و آثار تاریخی مردمان این روستا در موزه بابل اشاره نمودند. در پژوهش فوق به برخی از ابزار معیشتی و نظامی جنگل‌نشینان جامخانه پرداخته شده است.

1- نازلی شهیدی، محمود نیلی احمدآبادی و سیرا پویشمن، «بررسی متالورژیکی ابزارآلات جنگی ایران باستان -ایلام میانه» نشریه دانشکده فنی، دوره 43، شماره 2، تیرماه 1388.

2 - جهت اطلاع بیشتر: حسین احمدی دانشیار گروه مرمت آثار تاریخی دانشگاه شماره 9، دوره پنجم، پاییز و زمستان 1396 - مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران.

مؤلفه‌های تأثیرگذار گسترش زندگی جنگلی در جنوب روستای جامخانه

از نظر محققان علوم طبیعی جنگل‌های هیرکانی با قدمتی 40 میلیون ساله یکی از ارزشمندترین جنگل‌های ایران و جهان به شمار می‌رود که از آن به‌عنوان موزه طبیعی یاد می‌شود. این جنگل پهن‌برگ هیرکانی به‌عنوان یک زیست‌بوم منحصربه‌فرد در جنوب دریای خزر قرار گرفته و بین کشورهای ایران و جمهوری آذربایجان مشترک است. این جنگل دارای زیست‌بوم 296 گونه پرنده و 98 گونه پستاندار است، همچنین 150 گیاه بومی درختی و بوته‌ای (مانند شمشاد و انجیلی) هم در آن یافت می‌شود. این جنگل‌ها بر اساس ارتفاعی که در آن قرار دارند پوشش گیاهی متفاوتی دارند، از معروف‌ترین درختان این جنگل‌ها می‌توان از راش، بلوط، توسکا، نارون، زبان‌گنجشک و شمشاد نام برد (محمد پور، 1397/10/21).

گسترده‌گی جنگل‌های هیرکانی در مناطق خزری، موجب رشد زندگی جنگل‌نشینی بیشتر در این مناطق شده است، شرایط آب و هوایی و رطوبت زیاد سبب شد که آثار زیادی از ابزار نظامی و وسایل زندگی آنها و حتی استخوان‌های بدن آنها به دست نیاید. نام هیرکانی به جنگل‌هایی با تنوع زیستی منحصربه‌فرد، گونه‌های نادر و در معرض انقراض و طبیعی باشکوه اعطا می‌شود. جنگل‌هایی باستانی که می‌توان از آنها به‌عنوان شاهکاری از هنر دست پروردگار نام برد. مناطق شمال ایران به لطف برخورداری از آب‌وهوای مناسب و متوسط بارندگی 550 تا 2200 میلی‌متر و ارتفاع صفر تا 5671 متری دارای شرایط و بستر مساعد برای رشد گونه‌های گیاهی مدیترانه‌ای است. با توجه به این شرایط مطلوب شمال ایران، حاشیه جنوبی دریای خزر جایگاه این جنگل‌ها از متراکم‌اند. جنگل‌هایی که بین کشورهای ایران و آذربایجان مشترک‌اند. این جنگل‌ها از ارزش بسیار والایی برخوردارند و مهم‌ترین زیستگاه طبیعی برای حفاظت از گونه‌های متنوع زیست‌محیطی علی‌الخصوص گونه‌های در معرض خطر انقراض‌اند. این جنگل‌های برجسته نقشی بسیار مهم در فرآیندهای زیست‌محیطی و بیولوژیکی و توسعه اکوسیستم و گیاهان ایفا می‌کند. گونه‌های این جنگل‌ها در برابر سرما بسیار حساس‌اند از این رو تنها در آب‌وهوای معتدل کرانه‌های دریای خزر قادر به ادامه زندگی و حیات هستند. می‌توان از جنگل‌های هیرکانی به‌عنوان اندوخته‌ای ارزشمند و طلای سبزرنگ شمال ایران نام

برد. گنجینه‌ای شگرف با آب و هوایی مطبوع و زیبایی‌های خارق‌العاده که بازدید از هر یک از آنها قطعاً سازنده یکی از زیباترین خاطرات زندگی‌تان خواهد بود (ثابتی، 1355).

جنگل‌ها از گهواره‌های تمدن بشر قلمداد می‌شوند و این فرایند با اختراع آهن و کشف آتش سریع‌تر گردید. تاریخ گویای آن است که مناطق جنوبی دریای مازندران زودتر از جنگل‌نشینان اروپایی به انواع ابزارآلات مادی تمدن دست یافته بودند (کولائیان، 1393: 103). وجود محیط سخت و توأم با درختان انبوه جنگل‌نشینان را واداشته بوده تا با به‌کارگیری از ایده‌ها و موقعیت مکانی در پی ساخت انواع ابزارآلات امنیتی و معیشتی را تجربه کنند. ساکنان اولیه اطراف روستای جامخانه پس از سکونت در میان ارتفاعات منطقه بادله کوه، چلم کوه، دختر قلعه، زندگی جنگی و خانه باغی و سپس زندگی طایفه‌ای به‌ویژه در منطقه ازارک به‌سوی دامنه فعلی روستای جامخانه روی آوردند و به ساخت سکونتگاه‌های ابتدایی پرداختند بر اساس مشاهدات قبور منطقه ازارک، خانه‌های اولیه، معماری بسیار ساده‌ای با استفاده از ابزارآلات ساده کشاورزی و نظامی و شکار که می‌توانست امنیت و رفاه نسبی آنها را تأمین کند. با گذشت زمان و افزایش دانش و فناوری ساخت ابزار جدید کشاورزی و جنگی و همچنین مقابله با طبیعت پیرامون، سکونت در نقاط مختلف جامخانه جنبه دائمی‌تری پیدا می‌کند و مردم در مجاورت خانه‌های خود به کشاورزی و دام‌پروری می‌پردازند. گستردگی پراکندگی سکونتگاه‌ها در اطراف جامخانه و همچنین تهدید در برابر حملات و آسیب‌های احتمالی موجب به وجود آمدن تأملی عمیق بین دو مقوله امنیت و معماری در برخی مناطق شده است (عبادی، 1395). باستان‌شناسان بر این باور هستند که انسان‌های نخستین میلیون‌ها سال در شیوه زندگی جنگل‌نشینی به سر برده‌اند تا توانسته‌اند به مرحله دیگری از شیوه زندگی یعنی غارنشینی یا دیگر شیوه‌های زندگی دست یابند. در این رابطه مشاهده و بررسی‌های اولیه در منطقه ازارک جامخانه (به‌ویژه کال جامخانه) حاکی از آن است که نوع مسکن عموماً از جنس گل و سنگ و چوب درختان بوده و در کنار هر چشمه‌ای یک طایفه سکونت داشته، طبق آثار به‌جامانده و نقل پیران محل در حدود هر 200 الی 300 متر یک طایفه زندگی نموده و در زمان تهاجم و فعالیت‌های کشاورزی و دامداری به یکدیگر کمک می‌کردند. از نکات جالب توجه اینکه در چند سال اخیر زنان در هنگام وجین توتون و پنبه و لوبیای روغنی

سکه‌های اسپهبدی و گاهی سکه‌های فلوس پیدا می‌نمودند و این مسئله گویای تداوم زندگی از باستان تا دوره صفویه در ازارک جامخانه می‌باشد.

امنیت و نظام تدافعی و شیوه مقابله با هجوم بیگانگان، می‌تواند تأثیر زیادی در شکل گسترش سکونتگاه و تغییرات به وجود آمده در بافت کالبدی روستای فعلی جامخانه داشته باشد. در بافت‌های اولیه سکونتگاه‌ها از نظر معماری، دو گونه سامانه تدافعی به کار برده شده است؛ نوع اول سکونتگاه‌هایی را شامل می‌شود که دارای دژ، حصارهای تودرتو و برج و بارو در اطراف روستا به‌ویژه در دخترقلعه و کافرقلعه جامخانه می‌باشند و دستیابی به واحدهای مسکونی و ابنیه دیگر از طریق دروازه‌ها صورت می‌پذیرد. اغلب در این سکونتگاه‌ها، فضاهای عمومی و مذهبی در داخل حصار تعبیه می‌شود. نوع دوم روستاهای دارای حصار چوبی با خانه‌های نزدیک به هم هستند. از این نمونه در مسیر راه‌های ارتباطی پرتردد که احتمال تهدید از سوی راهزنان بیشتر است به‌وفور دیده می‌شود. در مطالعه سیر زندگی جنگلی در جامخانه، زندگی روستانشینی با محوریت کشاورزی بر اساس سکه‌های فلوس مشاهده شده در ازارک، روستای جامخانه فعلی مربوط به دوره صفویه هست. بنا به گفته پیران محل مهاجران مناطق مختلف اطراف محل سکونت فعلی (ازارک - ختور - اسپه گلی اطراف بادله کوه وارم و دخترقلعه) روستای جامخانه فعلی را به وجود آوردند گر چه سابقه زیست این محل به هزاره قبل از میلاد می‌رسد و نوع بافت و توپوگرافی جغرافیایی محل نشان می‌دهد نوع زندگی ترکیبی از کوچ‌نشینی - یکجانشینی بوده است. کشف گورهای خمره‌ای منسوب به دوره اشکانی و کوزه‌های سفالی در هنگام جاده‌سازی و ساخت درمانگاه بهداشتی در اوایل انقلاب اسلامی حاکی از آن است که سابقه زندگی در این روستا بسی پیچیده و نیاز به بررسی‌های دقیق باستان‌شناسی دارد.

هسته اولیه تشکیل روستای جامخانه به 3 هزار سال قبل بر اساس آثار مکشوفه نگهداری در موزه شهر بابل بازمی‌گردد. طبق مطالعات میدانی و مصاحبه با ریش‌سفیدان، عوامل جذب جمعیت از قبیل ارتفاع مناسب، وجود آب فراوان چشمه‌ها و رودخانه، جنگل و قلعه‌ها و عوامل طبیعی مهم‌ترین عامل در جذب و تشکیل روستای جامخانه در طول تاریخ در مکان‌های متعدد کنونی بوده است. به‌گونه‌ای که ساکنان اولیه این روستا در ابتدا در اطراف آن سکنی گزیدند و هسته اولیه روستا را با تبدیل

جنگل‌های این ناحیه به مزارع کشاورزی شکل دادند. اکنون نیز با توجه به قدمت زیاد این محدوده واحدهای مسکونی قدیمی بسیار دیده می‌شود (عبادی، 1395).

بررسی وضعیت زمین‌شناسی و نوع خاک

بررسی‌های انجام شده زمین‌شناسی ایران معلوم می‌دارد که روستای جامخانه و حوزه نفوذ آن، بر روی آبرفت‌های دوران چهارم کوهپایه‌ای دامنه شمالی البرز قرار دارد. در مورد جامخانه بررسی زمین‌شناسی معین می‌کند که این روستا روی رسوبات نئوژن بالائی از جنس مارن صیقلی و آهک و همچنین کنگلومرا و افق‌های ماسه‌های سنگی که احتمالاً در زیر آنها سنگ‌های میوسن بالا از جنس مارن، ماسه‌سنگ، آهک و زیر رسوبات میوسن به احتمال زیاد آهک‌های ضخیم لایه و توده‌ای پوراسیک بالایی قرار گرفته است. نوع خاک اراضی جامخانه را به سه نوع می‌توان تقسیم کرد: 1- خاک درجه یک (زرد) در قسمت شمال و شرق جامخانه (جامخانه دشت و ازارک). 2- خاک درجه دو (سفید) که در برگیرنده قسمت غرب روستا 3- خاک درجه سه (سیاه) شامل اراضی جنوب شرق و جنوب روستا می‌باشد (عبادی، 1375).

شیوه زندگی آماردها در هزاره قبل میلاد

بر اساس شواهد و کشفیات باستان‌شناسی و آثار موجود در موزه بابل و گورهای ازارک جامخانه ساکنان این منطقه مردمی جنگل‌نشین بوده زندگی در بیشه‌زارها و چمنزارها و لای درختان کهن‌سال و شکاف سنگ‌ها و نبرد همیشگی با جانوران درنده، آماردهای ساکن ازارک جامخانه را مردمانی تندخو، سرکش و شجاع، دلاور، زمخت، خشن، پرتلاش، مقاوم و ورزیده بار آورده بود. ابزار و آثار کشف‌شده در جامخانه نشان می‌دهد آنان در رشته‌هایی چون: گله‌داری، دامداری، کشاورزی و شکار و اهلی کردن حیوانات مهارت داشتند. همچنین از پوست و گوشت و استخوان‌های حیوانات و موی و پشم و روده آنان استفاده می‌نمودند و با کمک دوک و کارگاه‌ها، پوشاک و سازوبرگ‌های جنگی و خانگی به رفع نیازهای اولیه‌شان می‌پرداختند. زندگی آماردها تحت تأثیر اساس اقلیم و جبر جغرافیایی بوده فعالیت در کوه و دشت و جنگل و پیمودن مسیرهای طولانی برای شکار آنان را مردمی خشن و شجاع قلمداد نمود. آماردها کیش خاصی نداشتند اما کشفیات باستان‌شناسی نشان می‌دهد به جهان بعد از مرگ اعتقاد داشتند

به همین دلیل در گورهای باستانی به همراه دفن جسد ابزارآلات وی را در کنارش دفن می نمودند. زندگی در کوه و جنگل منجر بدان شده بود تا مردان مازنی به وضع ظاهری خود بی اعتنا باشند آنها با بلند نمودن ریششان اعتقاد داشتند دشمنان از هیبتشان می ترسند و فرار می کنند (برزگر، 1380: 40-50). گروه مردها را سه دسته از مردمان تشکیل می داد، بدین گونه: 1- کادوسی ها 2- دسته مردها 3- دسته تبری ها (همان: 37-39). داده های تاریخی نشان داده که آماردها همواره رابطه دوستانه ای با پادشاهان هخامنشی، پارتی و ساسانی در جهت ایجاد امنیت و جنگ با دشمنان ایران داشته اند (مهجوری، 1381: 59).

کارکردهای نظامی دخترقلعه (کافرقلعه) یا قلعه بن (قلعه داراب شاه) در جنوب جامخانه

دخترقلعه مجموعه فضای معماری در دل جنگل واقع در جنوب روستا بوده که توسط گروهی از ساکنان مازندرانی در دل جنگل و صخره های سنگی کوه های البرز ساخته شده اند. این مجموعه بناهای تاریخی شامل اتاق نشیمن و پنجره ها و راه های ورودی خانه ها است که با مهارت و مشقت بسیار در بالای کوه به شکل قلعه مانند ساخته شده اند. وجود اتاق خواب، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و مخازن و کانال هدایت آب نشان می دهد که افرادی این مکان را برای زندگی درازمدت ساخته اند. با توجه به کاوش های باستان شناسی و بقایای تکه سفال هایی که در این خانه ها پیدا شده، می توان قدمت آنها را به قبل از اسلام و دوران اوایل اسلام نسبت داد و از آنجایی که در این دوران ایران مورد هجوم اعراب قرار گرفته است؛ به نظر می رسد این خانه ها در دل کوه با امکان زندگی در بلندمدت، همراه با محل هایی برای نگهداری به خاطر عدم پذیرش کیش و آیین جدید و یا به خاطر ترس از هجوم اعراب بنا شده است و به همین دلیل نام این قلعه ها را کافر قلعه یعنی محل زندگی غیرمسلمانان است. به دلیل صعب العبور بودن کافرقلعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است و در حال حاضر این قلعه و خانه ها در اثر گذشت زمان تخریب و همچنین در اثر حفاری های متعدد غیرکارشناسی اکثرش از بین رفته است؛ اما هنوز مناظر زیبایی از دخترقلعه و خانه هایش در نزد اهالی پیران محل حس گذشته گرایی را بارور می نماید. با توجه به نتایج تحقیقات به عمل آمده می توان دو عقیده را در مورد وجود ساختارهای معماری ساخته شده در دل کوه البرز در محور جنوبی جنگل های جامخانه و روستای دارابکلا بیان کرد:

1- در قرون اولیه اسلامی با توجه به هجوم اعراب به مازندران، احتمالاً مردمانی که در اواخر دوران ساسانی در این منطقه زندگی می‌کردند به خاطر عدم پذیرش دین جدید و یا به خاطر ترس از هجوم اعراب منطقه زندگی و اسکان خود را در دشت ترک کرده و به مناطق کوهستانی پناه بردند. این مردمان به خاطر در امان ماندن از هجوم و یورش این مهاجمان تازه‌وارد سازه‌های معماری‌شان را در دل صخره‌های سنگی و ارتفاعات بالای کوه‌ها در مناطق کوهستانی ایجاد کردند. با توجه به سازه معماری و تقسیمات فضایی که شامل آشپزخانه، اجاق‌ها، سرویس بهداشتی و روزنه‌های دیده‌بانی است، می‌توان محل زندگی یا استقرار دائمی انسان در یک شرایط خاص را در این منطقه بیان کرد. شرایط ویژه سیاسی باعث شکل‌گیری معماری این سازه‌ها در داخل صخره‌ها است. چون با توجه به وجود دشت‌های میان کوهی در منطقه هیچ‌گاه انسان هوشمند هزاره‌های گذشته به‌آسانی نمی‌تواند محیط آرام و آسایش دشت‌ها را ترک کرده و به مناطق سخت، صعب‌العبور و کوهستانی پناه ببرد.

2- اگر نتوانیم فرض اول قضیه در خصوص شکل‌گیری این معماری در دل ارتفاعات بلند جنگلی را ثابت کنیم باید فرض دوم را لحاظ نماییم. وجود این معماری بدون شک در شرایط خاص و به خاطر دفاع از حریم استقرارگاه ساخته شده که از جمله دلایل آن قرارگیری در صعب‌العبورترین صخره و وجود روزنه‌هایی جهت تیراندازی و دفاع از استقرارها می‌باشد. با توجه به دو فرضیه مطرح شده فوق می‌توان چنین تصور نمود که معماری قلعه‌ای در شرایط سخت و به خاطر در امان ماندن برخی از گروه‌های متخاصم در مناطق کوهستانی ایجاد شده که با توجه به نام کافر قلعه (محل زندگی اقوام غیرمسلمان) و وجود قطعات سفالی اوایل دوره اسلامی می‌توان چنین تصور کرد که این سازه‌های معماری به‌صورت گسترده و در اثر مهاجرت اقوام و به خاطر در امان ماندن یورش سپاهیان عرب در اوایل اسلامی شکل گرفته است (عبادی، 1395).

در سال‌های اخیر در اثر جاده سازی لایه‌های متعددی از دیواره‌های مخروطی‌ای کافرقلعه، قابل مشاهده می‌باشد که به شرح زیر بوده: 1- خاک رس که یکی از مهم‌ترین ابزار در فنون و هنر معماری بوده است. 2- خاک پخته که این لایه همان خاک رس

است و برای اینکه در بعدها از رطوبت زمین جلوگیری شود خاک رس را با کمی آهک قاطی و در آن محل پخش می‌کردند و روی آن چوب می‌ریختند و چوب‌ها را آتش می‌زدند، خاک زیر این چوب‌ها می‌سوخت و تبدیل به نوعی ملاط می‌شد و از رطوبت خاک جلوگیری می‌کرد. 3- سنگ‌چین 4- سفال شکسته: معمولاً بعد از سنگ‌چین و آجر چین شروع می‌شود. 5- زغال: این لایه بعد از آجر یا زیر کوزه‌ها قرار می‌گرفت تا رطوبت را به‌صورت کامل به خود جذب کند. 6- آهک: این لایه از رسوب تشکیل شده و معمولاً آهک به‌صورت سفید نیست و مایل به رنگ نخودی است که در زیر زغال استفاده می‌شد و از نشست بنا تا حدی جلوگیری می‌کرد. 7- ساروج: این لایه یکی از مهم‌ترین لایه‌ها به شمار می‌آید و معمولاً در پایان کار از آن استفاده می‌شد (عبادی، 1395).



نمودار شماره یک: رابطه عوامل محیطی با شاخص‌های امنیتی جنگل نشینان جامخانه باستان

گذاشتن ابزار نظامی و معیشتی در قبرهای گبری

بر اساس گفتار پیران محل در این مقاله، قبرهای گبری منطقه ازارک و کافر قلعه جامخانه معمولاً در نقاط بلند و روبه دره قرار واقع شده بودند و به‌نوعی بیانگر طبقه اجتماعی بوده، در فقیرترین قبر یک یا دو کاسه سفالی قرار داشته و قشر متوسط و پولدار آنان لوازم شخصی مانند زیورآلات، خنجر، سپر و در معدودی از آنان نسخه یا نوشته‌ای از اموال مربوط به شخص مرده و در برخی از قبور اسب یا قاطر یا سگ شخص هم با او به خاک می‌سپردند. بالاترین قبر گبری مربوط به موبد و سردار آنان می‌شد که در اول صف قبرها قرار می‌گرفت و در عمق نسبتاً بالایی نسبت به سایر قبرها می‌بود و داخل قبر و بیرون زیر خاک اطراف قبر هدایایی قرار می‌گرفته است. در قبرهای گبری بیماری‌های مسری وجود دارد که بعد از چند هزار سال هم از بین نمی‌رود. در گورستان جنگلی جامخانه منطقه واش دارآغوز، ازارک¹ و ذکریا خانه سر، سنگی صاف در آن محل که از جنس سنگ رودخانه‌ای بوده، دیده شد. این سنگ بزرگ و پهن بود و به آن سنگ مرده‌شور هم می‌گفتند. در آن زمان جسد مرده‌ها را بر روی همان سنگ شستشو می‌دادند. در اکثر قبرستان‌ها افراد شاخص پس از مرگ در همان قبرستان در قسمتی بالاتر از قبرهای دیگر دفن می‌شد و قبر او را به‌صورت تلی کوچک می‌ساختند ولی طوری درست می‌کردند که زیاد مشخص نباشد و برای او از نماد کاسه روی سنگ مرده‌شور حکاکی می‌کردند و بخشی از اموال آن شخص را در کنار جسد او به همراه دو کوزه آب و غذا دفن می‌کردند البته اگر شخص به همراه خانواده فوت می‌شد به‌صورت دسته‌جمعی در کنار هم دفن می‌شدند و به نماد سنگ کاسه می‌افزودند و به ازای هر یک نفر یک سنگ کاسه وجود داشت و فاصله سنگ مرده‌شور تا قبر آن شخص از 7 متر تجاوز نمی‌کرد. اموال او را هم در مترائ 2 متری، 60 سانتی‌متر زیر جسد یا 60 سانتیمتری زیر پا در زیر سنگی مدفون می‌کردند. چون در آن زمان دزدان و غارتگران زیاد بودند و قبرها را می‌شکافتند و به آن دست برد می‌زدند برای گمراه کردن آنها بخشی از اشیاء را در کنار خود جسد می‌گذاشتند تا شخصی که قبر را می‌شکافت فکر کند که کل بار همین است و به همان بسنده کند. سنگ کاسه در گنج یابی چیزی

1 - Azzarek

شبیه به کروکی منطقه‌ای است که قبر در آن قرار دارد. گودی هر نقطه نشان‌دهنده عمق بار است و هر یک سانتیمتر یک گز یا یک متر به سمت پایین است¹.

کارگاه‌های سفال سازی و ذوب فلزات در جامخانه هزاره قبل میلاد

خاک رس که ماده اولیه کوزه‌گری است تقریباً در هر کشوری یافت می‌شود و وقتی که بشر اولیه زندگی شکاری خود را تبدیل به دامداری و کشاورزی کرد کوزه‌های سفالینه به وجود آمد. تاریخ سفالینه سازی ایرانی به هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح می‌رسد در آن زمان بیشتر مردم دوره نوسنگی یک نوع زندگی کشاورزی و روستایی اختیار کرده و در ساختن انواع گوناگون سفالینه‌ها برای کارهای روزانه و امور مذهبی توفیق یافته بودند تعداد کمی از کشورها هستند که در این مرحله به اوج شهرت رسیده و توانسته باشند مدتی طولانی در آن باقی بمانند. معروف‌ترین این کشورها چین و ایران است.

پیش از رواج شیشه سفالینه‌ها رایج‌ترین مظروفات بشر بودند. مرغوب‌ترین خاک در صنعت سفالگری خاک رس است که به دلیل وجود مقادیر بالای آهن در آن، به رنگ سرخ است. سفالگری از نخستین صنایع بشر می‌باشد. خاستگاه آن را گرچه به درستی آشکار نیست ولی از روی یافته‌های کهن سرزمین باستانی سومر می‌دانند و البته به‌تازگی کشف تمدن جیرفت تردیدهایی در مورد این نظریه ایجاد کرده است (پرویز، 1390). امروزه در جنوب روستای جامخانه منطقه «رنگ گو» با توجه به تصاویر 16 و 17 تحقیق حاضر بقایای انواع کارگاه‌های سفال سازی و ذوب فلزات مشاهده می‌شود که نیاز به بررسی باستان‌شناختی دارد باینکه سفال‌ها و کوزه‌ها شکننده می‌باشند وقتی آن را به زیر خاک دفن می‌نمودند به همان‌گونه دست نخورده باقی مانده تا اینکه امروزه تعداد زیادی کوزه‌ها سالم به دست ما برسند و روی آن مطالعه شود و امروزه بیشتر اطلاعات ما درباره تاریخ سفالینه سازی و نوع زندگی بشر از همین تکه‌هایی از زیر خاک به دست آمده است

2- نقل از پیرمردان روستای جامخانه مانند حاجی محمد و احمد و رمضان (ذوالفعلی)، حاجی شعبان عبادی، حاجی عباس غلامی و حاجی رحیم باقری

تدابیر جنگل‌نشینان باستانی جامخانه جهت ایجاد امنیت

بر اساس نظرات پیرمردان روستای جامخانه پیرامون امنیت زندگی جنگل‌نشینان، در گذشته‌های دور پس از حصار اطراف زمین‌های کشاورزی و یا خانه‌ها، با سرهم چیدن چوب و شاخه‌های درخت، قسمتی را برای ورود و خروج در نظر می‌گرفتند که به آن قَلت¹ می‌گفتند. از این واژه در حال حاضر هم برای راه عبور و مرور انسان و گاهی برای بیان رفت‌وآمد حیوانات وحشی منازل جنگل‌نشینان استفاده می‌شد؛ یعنی این عبارت برای راه ایجاد شده در اثر رفت‌وآمد مداوم در یک مسیر خاص ایجاد شده اطلاق می‌شود. پس‌از آن (حتی در حال حاضر) اهالی اطراف زمین‌ها را با پرچین که یک سازه‌ی چوبی منظم و بادوام‌تر است؛ حصار می‌کردند. در منازل جنگل‌نشینان قبل از این که دور زمین‌ها پرچین شود، به لحاظ جنگلی بودن حاشیه‌ی زمین‌ها، اطراف آن‌ها را با استفاده از چوب درختان «پَر» یا «پرچین» همان شبیه دیوار چوبی می‌زدند (که یک اصطلاح مازندرانی است)؛ یعنی در فاصله‌های معینی تیرهای چوبی بنام پاها² یا پکا³ به موازات هم و با فاصله می‌کاشتند، سپس شاخه‌ها و خارها را در میان آن‌ها قرار می‌دادند تا شبیه دیواره‌ای از شاخه و خار شود. معمولاً به این شاخه‌های تیغ‌دار (خاردار) تلی پر⁴ می‌گفتند و با این روش بیشتر حاشیه بیشه‌زار و مراتع تعیین حدود می‌شدند تا زمین‌های زراعی چرا که امنیت در امان ماندن از عبور حیوانات وحشی مثل گراز و خوک در حصار با پر بسیار پایین است؛ اما پرهایی با شاخه درختان با چوب و سرشاخه دیواره محکم‌تری ایجاد می‌شود. این سازه کارایی بهتری داشت و بهتر جلوی ورود حیوانات وحشی به مزارع را می‌گرفت. با پَر زدن به‌نوعی محدوده‌ی زمین‌های اشخاص هم معین می‌شد. در این زمین‌ها در ابتدا از قَلت و سپس کَلک برای ورودی زمین استفاده می‌شد. برای قَلت هم یک بوته بزرگ گله (درختچه خاردار) از جنس درخت ولیک یا کندس یا ترش هلی (درختان بومی) استفاده می‌شد و موقع رفت‌وآمد برداشته و دوباره می‌گذاشتند که بعدها به چوکک تغییر یافت. رفته‌رفته سازه‌ای چوبی به نام کَلک (چو کَلک) جای قَلت را گرفت. در جایی که کَلک ساخته می‌شد، پرچین

1 - ghalt

2 - paha

3 - peka

4 - tali par

مقاوم‌تر بود و از روی هم گذاشتن چوب‌های کلفت‌تر، بین شیار ایجاد شده توسط ستون‌های کاشته شده با موازات هم در دو انتهای آن (که به آن‌ها پاها = پایه‌ها می‌گویند) ساخته می‌شد. برای عبور و مرور از یک‌طرف این دیواره به سمت دیگر آن چوبی قطور که در تنه‌ی آن برش‌هایی به‌صورت پله ایجاد شده را به‌صورت مایل در کنار آن محکم می‌کردند. چوبی که در سمت داخلی زمین قرار می‌گیرد در خلاف جهت چوب بیرونی است تا رفت‌وآمد راحت‌تر صورت گیرد. این ساختار در ورودی منازل از دوپایه‌ی قوی و قطور که در داخل شیارهای آن چند الوار استوانه‌ای قرار داشت را شامل می‌شد؛ اما کلک سر باغ‌ها و زمین‌ها اندکی نامرتب‌تر و ضعیف‌تر بود. این ساختار دروازه‌ی ورودی خانه‌های جنگل نشینان هم بود. البته کلک موقتی که در روز چند تای بالایی را برمی‌داشتند و گاهی کلک دائمی در حیاط منازل وجود داشت. اصطلاح کلک تک هنوز یادآور کودکی ماست که مادر سفارش اکید می‌کرد که از کلک تک دورتر نشویم و این بدان معنا بود که کلک تک آغاز معبر مشترک با کوچه پر رفت‌وآمد با حیاط منزل بود. سازه‌ی دیگر لُش (لوش)¹ بود. لوش درواقع نوعی دروازه‌ی چوبی است که از قطعات چوب تراش داده شده با تیر که به‌صورت تخته درآمده و یا تخته‌های اره بری شده است که به‌صورت مربعی روی هم قرار گرفته و میخ می‌شوند. لوش به‌صورت لولایی باز و بسته می‌شود و عبور و مرور را تسهیل می‌کند. در دو طرف لوش ستون‌های قوی در زمین کاشته می‌شود تا آن را نگه دارد. لوش در زمین‌هایی که دورشان پرچین بود کاربرد پیدا کرد. لُش در حیاط هر منزل و خانه سرایی تا همین چند سال پیش هم وجود داشت. هنوز هم در زمین‌هایی با حصار پرچینی، توری فلزی لوش کاربرد خودش را حفظ کرده است. ورودی خانه‌ها، با تغییر نوع معماری و استفاده از چوب و الوار و آجر و سنگ از لوش‌های ساده به لوش‌های بزرگ چوبی با سر دری تغییر یافتند که به آنها دروازه‌های چوبی می‌گفتند و بدین طریق اصطلاح دروازه نیز به ادبیات زبانی محل افزوده شد.

1- لُش (losh): دروازه‌ای بود چوبی و شطرنجی شکل که از نرده‌های چوبی ساخته می‌شد و قابلیت چرخش 90 تا 180 درجه را داشت که اکنون می‌توان آن را در برخی مراتع جنگلی روستا مشاهده نمود.

گورهای نظامیان منسوب به دوره اشکانی جامخانه

در ازارک جامخانه بخش واش‌دار آغوض (بین زمین‌های زراعی شرق جامخانه فعلی و غرب روستای قلعه‌سر کنونی) گورستانی وجود دارد که در اثر جاده‌سازی و تسطیح اراضی و بر اساس شواهد محلی (چوپانان و ساکنان فعلی) و بررسی اولیه قبور بیانگر مربوط به دوره اشکانی (250 ق.م الی 226 میلادی) می‌باشد. به نقل از گذشتگان روستای جامخانه در انجام کشت و زرع و تسطیح زمین در این گورها ابزاری چون: انواع خنجرها، تبر، مهره جات بر روی گردن و دست و شمشیر مفرغی در کنار اجساد مردان و گردن بندهایی از جنس مفرغ در گردن زنان مشاهده شد. بی‌شک مرگ از کهن‌ترین ایام تاکنون همیشه جز لاینفک دین‌باوری‌ها و اندیشه‌های دینی مردم این سرزمین بوده است و مراسم دفن مردگان از قوانین دینی پیروی می‌کرده است. بر اساس مندرجات کتاب وندیداد، سوزاندن مردگان از منظر مغان گناهی نابخشودنی بوده است. پس سوزاندن مردگان در ایران چندان مورد توجه نبوده است. استودان کردن و رها کردن مردگان در هوای آزاد برای پاک شدن گوشت آنان توسط جانوران وحشی و قرار دادن استخوان مردگان در دخمه‌ها نیز از جمله تدفین‌ها در ایران کهن بوده است. در ایران کهن پاسداشت عناصر چهارگانه و آسمان و زمین و ستارگان و ماه و خورشید و دارودرخت از واجبات است. در مورد نهی از آلوده کردن زمین، به‌ویژه با دفن مردگان، در اوستا و فقه مزیدیسان وارد است (مهدی زاده، 1379، ش: 153 و 154).

جایگاه امنیتی و معیشتی گاو در زندگی جنگل‌نشینان باستانی جامخانه

آریایی‌های باستان (هندی‌ها و ایرانی‌ها) اعتقاد داشتند خدایان گیتی را در هفت مرحله آفریدند که اول آسمان بود و بعد زمین. خدایان در مرکز زمین سه آفریده گذاشتند: یک گیاه، یک گاو و یک انسان. آن‌ها با قربانی کردن اولین انسان، انسان‌ها را به وجود آوردند و از خمیر گیاه تمام گل‌ها و گیاهان را و با قربانی گاو و با استفاده از کالبد او تمام حیوانات روی گیتی را (کرن آرمسترانگ، 1386: 14). گاو در فرهنگ و زبان مازندرانی ریشه عمیقی دارد تا بدان جا که بیش از 70 اسم از مشتقات نام‌های گاو در زبان مازندرانی شناخته گردیده و شاید از این تعداد نیز بیشتر باشد. خیش، یا گاوآهن، ابزار سنتی برای شخم زمین‌های زراعی. خیش که صورت گویشی آن خییج است، در فرهنگ‌ها به صورت‌های خویش و هیش نیز آمده است. از ترکیبات آن

خویشکار/ خویشکار (برزگر)، خویشاوه (زمین شیارکرده) و خویشکاری/ خویشکاری (کشاورزی) است. خویشکار به معنی برزگر، دهقان و کشتگر، در بعضی نسخه‌های شاهنامه به صورت خویشکار نیز آمده است (شامبیاتی 1375: 222). گیرشمن سابقه استفاده از خیش را به پیش از هزاره 4 ق م می‌رساند و آن را عاملی در راستای ترقی سریع دهکده، توسعه کشاورزی، پذیرفتن طرز کارکرد اجتماعی، یاری‌گرفتن از همسایگان برای هموار کردن زمین و آبیاری می‌داند (گیرشمن، 1374: 16-19). مؤلفی دیگر معتقد است تمدن جهان، اهلی کردن اسب و نیز اختراع لگام، مهمیز، گاوآهن، یوغ و ارابه را مدیون آسیای جنوب غربی است که بزرگ‌ترین نقش را در تاریخ تحول وسایط کشتش و نقلیه زمین‌ی ایفا کرد. در این میان، نقشی ویژه برای ایران قائل‌اند؛ زیرا مهد نژادهایی از سواران بی‌مانند همچون آشوریان و پارسیان بوده است (کریمی، 13 آبان 1396). یکی از امتیازهای اهلی کردن حیوانات استفاده از نیروی آنها برای کشیدن خیش بود (وایت، 1379: 77-78). فقط اختراع گاوآهن و وجود نیروی جانوران اهلی، مانند گاو (ه م) و بعدها اسب (ه م) به انسان امکان داد تا مزارع گسترده‌ای را شخم بزند و پایه‌های واقعی کشاورزی پرسود را بنا کند. یکی از نظریه‌پردازان معتقد است همه فرهنگ‌های عالی از کشاورزی برخوردارند و نظام شبانی در هیچ موردی، فرهنگی به بار نیاورده است که به اندازه فرهنگ عالی و پیشرفته منبعت از کشت و پرورش گیاهان باشد. معیشت متکی بر خوراک‌های خودرو، پست‌ترین روش‌های نظارت بر نیروهای طبیعت و کشاورزی بهترین آنهاست (وایت، 1379: 81). مشاهدات نواحی جنوبی زمین‌های کشاورزی جنوب جامخانه نشان می‌دهد. استفاده از دو گاو نر (ورزا) و ادواتی چون گاو هشته و ازال برای شخم‌زنی مناسب بود. دو گاو از ناحیه گردن با یک چوب به نام «جت» (یوغ) به هم متصل می‌شدند. برای آنکه چوب روی گردن گاو مستقر گردد، علاوه بر انحنایی که در محل پشت گردن گاو داشت، توسط دو چوب باریک که در دو طرف گردن قرار می‌گرفت، تثبیت می‌شد. این چوب‌ها «سومه‌چوق- ازال یا ازل» نام داشت. هر جفت ازال که دو طرف گردن یک گاو قرار می‌گرفت توسط نخ‌ای از چرم یا مشابه آن در زیر گردن گاو به هم متصل می‌شدند. گوهن (گاوآهن) از ادوات اصلی شخم‌زنی با گاو بود. گوهن تیغه‌ای فلزی بود که در محل مخصوص در انتهای «جم» (خیش) نصب می‌گردید (لبافی، 17 تیر 1389).

حکاکی‌ها و نقش و نگارهای موجود، نشانه اهمیت ابداع این وسیله و این شیوه شخم است که به بالا رفتن سطح تولید و رشد نیروهای تولیدی کمک کرده و به شکل‌های تازه‌ای در سازمان کار منتهی شده است. «اودریکور» خیش دو بازوی موجود در لرستان را ابتدایی‌ترین نوع خیش دودسته و میراث خیش سومری می‌داند که تیغه آن زائده‌ای به شکل پوکه دارد و کشش آن با یوغ جفتی است (پورکریم، 1354: 28، 30). در رابطه با اهمیت گاو با زندگی جنگل‌نشینان می‌توان گفت: شیوع آفت دامی و نابودی گاوها تأثیر مستقیمی بر روی زندگی و معیشت داشته است (پورقنبر، 1393: 133). آفت کشاورزی به گیاهان یا جانورانی گفته می‌شود که با ازدیاد آن‌ها در مزرعه و استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از محصول باعث کاهش کمی یا کیفی محصول شده و رابطه مستقیمی با مقوله امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ حیات اجتماعی - سیاسی جامعه روستایی ایران به‌ویژه در زندگی جنگل‌نشینان داشته است. نمونه بیماری‌ها و آفت‌های برخی مهره‌داران و حیوانات اهلی مانند گاوگیری، ناشی از طاعون گاوی و سیاه‌زخم، موش‌های صحرائی، گراز و خرگوش، پرندگان مانند سار و گنجشک، بعضی حشرات مانند ملخ و کرم ساقه‌خوار برنج است. در این بین گاوگیری یکی از وحشتناک‌ترین پدیده شوم و تهدیدکننده حیات اقتصادی و معیشتی جنگل‌نشینان باستانی بشمار می‌آید. ناگفته پیداست که نقش گاو در تأمین امنیت به لحاظ یک منبع مهم اقتصادی و معیشتی، گوشت، شیر و پوست و شخم‌زنی فواید تأثیرگذار و پایداری را بر زندگی آنان داشته است. سابقه چنین بیماری به لحاظ منابع مکتوب خبری در بهمن‌ماه 1304 ش، مبنی بر نابودی بیش از 4 هزار گاو در منطقه بارفروش یا بابل و سایر نقاط مازندران منتشر شد (شفق سرخ، 1304: ش 2/44)



نمودار شماره ۲: پیامدهای گاومیری مهمترین مولفه ناامنی در معیشت زندگی جنگل نشینان جامخانه

کاربرد و نماد سنگ در زندگی جنگل نشینان جامخانه و حومه اطراف آن

سنگ به مواد جامدی از پوسته زمین اطلاق می‌شود که از یک یا چند کانی که با یکدیگر پیوند یافته‌اند، تشکیل شده است. در زمین‌شناسی سنگ تجمعی طبیعی و جامد از مواد معدنی یا شبه معدنی است. لایه خارجی جامد زمین (لیتوسفر) از سنگ تشکیل شده است. صخره‌ها سه گونه هستند: آذرین، رسوبی و دگرگون شده است. دانش شناختن سنگ‌ها را سنگ‌شناسی¹ می‌گویند. عنصر اصلی تشکیل دهنده تمامی سنگ‌ها سیلیس است (معماریان، 1388). از روزگاران قدیم و در دوران ایران باستان، پیشینیان و اجداد ما بیشترین استفاده را از مواد معدنی داشته‌اند و آثار باقیمانده از آنها گواه این امر است.

1 - Petrology

جدول شماره ۱: مصادیق نمادهای سنگی دریاورهای عامیانه از نظر پیرمردان و کارشناسان فرهنگ عامه

ردیف	نماد	مصادیق نمادهای سنگی دریاورهای عامیانه جنگل‌نشینان طبرستانی	ردیف	نماد	مصادیق نمادهای سنگی دریاورهای عامیانه جنگل‌نشینان طبرستانی
۱	گوزن	نماد مسیر سخت صخره‌ای	۲۶	چوبان	چوبان با عصا و خورجین نماد امانت
۲	چکمه	دلیل راه و مسیر	۲۷	عقاب	نماد وجود چاه در همان منطقه
۳	جوغن‌ها	نماد قبر	۲۸	چشم	نماد نظارت
۴	سبیل دل	نماد طلا	۲۹	سنگ نویی	نماد مقاومت و وجود قلعه یا دژ
۵	ازدها	نشانه مکان‌های تاریخی ارزشمند	۳۰	سنگ گهواره	تمدن و حریت بشری
۶	تور	زندگی و تحرک	۳۱	ماهی	نماد برکت و فراوانی
۷	درختان کهنسال	نماد تمدن و آبادانی	۳۲	بیه سوز	محبت و یابرداری خانواده
۸	خورشید	نماد کتابی ارزشمند	۳۳	لاک پشت	نشان عزم را معنی و خرد
۹	چشمه‌ها	نماد مخفی کردن دنیاهای	۳۴	شاهین پاپاز	نشان راهزنان
۱۰	شمیر	نشانه مقبره	۳۵	صلیب	قبرستان مسیحیان
۱۱	جغد	نشانه‌ای برای مقبره	۳۶	دست	علائم دعا نمودن و نیایش
۱۲	گورخیمه	نوعی معماری صخره‌ای	۳۷	مهر	محبط خطر خیز
۱۳	تپه‌های توپوگوسی	مزار شاهان و بزرگان	۳۸	آتشکده	نماد پرستش خداوند بکتا
۱۴	قبور خمره‌ای	فلسفه‌ی مرگ و زندگی	۳۹	غار	اولین مکان زندگی
۱۵	خرگوش	نماد راهنما، قدرت و انرژی است.	۴۰	بز	نشان آفرینش و چشمه آب
۱۶	گل	اشاره به دنیای مردگان قبرستان دارد	۴۱	آب	نشان زاینده‌گی و زندگی
۱۷	پای انسان	مقبره سلطنتی	۴۲	گل رس	خاک رس پخته نماد مقاومت بوده
۱۸	رخ	نماد معابد میترایی	۴۳	تیر و کمان	نمادی از دلیری و شجاعت
۱۹	کبوتروار دک	فعالیت بانوان در خودآرایی و زینتشان	۴۴	سنگ صندلی	پنهان کاری انسان‌ها
۲۰	شیار	منبع آب و مقبره	۴۵	مکث	نماد بگ ارتقا و بلند و مقابله است.
۲۱	فیل	نماد قدرت	۴۶	قوریخانه	جهش به سمت جلو و بارش و برکت
۲۲	پای سنگ	منطقه تاریخی	۴۷	قیچی و انبر	وصل شدن دو مسیر پاره
۲۳	قبرهای گبری	نماد طبقات و ساختار اجتماعی	۴۸	زن	خیر و برکت و بقای نسل
۲۴	روپاه	نماد بگ حیوان پرفریب و مکار	۴۹	آجر خام	نشان سکونت و آبادانی
۲۵	انگور	نماد ثروت و مقابر و شراب	۵۰	داس	مشاغل صاحب قبر

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داده است، وجود گورهای قدیمی و ابزارهایی نظامی و معیشتی در جنگل‌های جامخانه از قبیل انواع شمشیر و مهره جات و گردن بند در کنار اجساد، بیانگر این نکته است که مردمان باستانی جامخانه به لحاظ طبقات اجتماعی در گروه‌هایی چون: طبقه اشراف و متوسط و قشر فقیر دسته‌بندی می‌شدند در گورهای اشرافی وسایلی گران‌قیمت و در کنار اجساد قشر متوسط شمشیر و انواع کوزه‌ها و در گورهای مردم فقیر مهره جات از جنس استخوان و گل گزارش شده است. بر اساس مشاهده مکان‌های دفاعی و ابزارهای هزاره قبل از میلاد موجود روستای جامخانه در موزه شهر بابل می‌توان گفت این ابزارآلات را در چهار دسته تقسیم نمود:

1. ابزارآلات نظامی: از قبیل خنجر، تبر، شمشیر و نیزه‌های سنگی
2. ابزار مذهبی: مانند انواع مهره جات از جنس مفرغ، استخوان، گل رس، شیشه
3. قلعه‌های دفاعی و امنیتی در جنوب روستا
4. نکته دارای اهمیت اینکه از جمله آثار موجود جامخانه در موزه بابل، مهره‌های متعددی می‌باشند که نشانگر شیوه زندگی و اعتقادات و نوع معیشت و طبقات اجتماعی در جامخانه دوره باستان می‌باشد. جنس مهره‌ها اغلب از استخوان حیوانات و سنگ‌ها و مفرغ بوده‌اند.
5. وسایل معیشتی چون انواع سکه‌های مسی، فلوس، نقره، گاو هشته (گو هشته) وسیله‌ای برای شخم زدن به زمین توسط گاوهای نرکه در نمودار شماره 3 انواع ابزار معیشتی نشان داده شده است.
6. انواع نمادهای سنگی مشاهده شده مانند پیکره‌های خرگوش، سگ، مار و بز در اطراف قبور و قلعه‌ها بیانگر شیوه خاصی از زندگی و افکار مردمان جامخانه عهد باستان در امور معیشتی و امنیتی بوده است. باری از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به پدیده بیماری گاو‌میری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه ناامنی امنیت روحی - روانی و تهدیدکننده نظام تولیدی اشاره نمود.



نمودار شماره ۳: ابزارهای معیشتی در جامخانه باستان

منابع

- اسلامی، حسین، (1372)، تاریخ دوهزارساله ساری، مازندران، نشر دانشگاه آزاد اسلامی قائم‌شهر.
- اسلامی، حسین، (1388)، جغرافیای تاریخی ساری، ساری.
- بازن، مارسل و دیگران (1365)، گیلان و آذربایجان شرقی، ترجمه مظفرامین فرشچیان، تهران.
- باقری، ایوب (1374)، مونوگرافی روستای جامخانه، رساله دوره کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
- برزگر، اردشیر، (1380)، تاریخ تبرستان، تهران: نشر رسانش.
- پرویز، عباس، (1390)، تاریخ سرزمین ایران، انتشارات نگاه، 1390.
- پوپ، آرثر اپهام، (1387)، سیری در هنر ایران، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران
- پورکریم، هوشنگ، (1354) «جفت، واحد تولید سنتی کشاورزی در ایران»، مردم‌شناسی و فرهنگ‌عامه ایران، تهران، 1354 ش، شم 2.
- پورقنبر، محمدحسن (1393)، «گاوگیری در مازندران در سال‌های دهه 1300 ش»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخ محلی مازندران، ساری، نشر هاوژین.
- ثابتی، حبیب‌الله، (1355)، جنگل‌ها، درختان و درختچه‌های ایران، سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی.
- چاپچی امیر خیر، احمد (2005)، تهران: سمیر.
- جعفری قنواتی، محمد (1395/1/29)، جادو در فرهنگ مردم، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- حلواچی نسلجی، عباس، (1393)، افسانه‌های نسلگ، مجمع ذخایر اسلامی
- زوم، مصطفی، (14 آذر 1392)، «نحوه شکل‌گیری روستاها»، مجله الکترونیکی جغرافیا.
- شامبیاتی، داریوش، فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، تهران، 1375 ش؛
- روزنامه شفق سرخ، سال 1304.
- عبادی جامخانه، رضا، (1395)، تاریخ و فرهنگ جامخانه، تهران: شیداسب.
- عبادی جامخانه، محمدرضا، (1375)، رساله مونوگرافی روستای جامخانه، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- کریمی اصغر، (1396/8/13)، خیش، یا گاوآهن، دانشنامه فرهنگ مردم، جلد 4.

- کرن آرمسترانگ (1386)، دگرگونی بزرگ: جهان در زمان بودا، سقراط، کنفوسیوس و ارمیا، ترجمه نسترن پاشایی و ع پاشایی، انتشارات فروزان.
- کولائیان، درویش علی، (1393)، کشف مازندران باستان، ساری، نشر گلچینی.
- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، 1374 ش
- لبافی، علی‌اکبر، 17 تیر 1389 شخم - تخم - ایسی‌یو، مجله الکترونیکی روستای برگجهان.
- فرزانه پور، آزاده و همکاران (1396)، واکاوی اصول حاکم بر اجرای مطلوب برنامه درسی درس پژوهی، مجله تدریس پژوهشی دانشگاه کردستان، شماره اول - سال پنجم.
- مجموعه اسناد شخصی بزرگان جامخانه
- محمدپور، ابوالقاسم (1397/10/21)، جنگل‌های هیرکانی از دیروز تا امروز، اطلاعات.
- مهجوری، اسماعیل، (1381)، تاریخ مازندران، تهران: نشر توس.
- مهدی‌زاده، علی. (1379)، «مرگ و مراسم تدفین در دین مزدایی». «دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش. 153 و 154.
- معماریان ح. (1381)، «زمین‌شناسی مهندسی و ژئوتکنیک»، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- وایت، ل. ا. تکامل فرهنگ، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، 1379 ش.

